

انتهای قرن از دیدگاه جرم‌شناسی

از: دکتر مهدی کی‌نیا - استاد دانشگاه

قرار گرفته است. نه در نقطه عزیمت، نه در نقطه اوج و نه در نقطه پایان تبهکاری، در تحقیقات گوناگون به اعداد ثابتی دست نیافته‌اند.

نقطه عزیمت تبهکاری به تحقیق معلوم نیست. آدمی در چه سنی دست به تبهکاری می‌زند؟ در چه سنی تبهکاری آدمیان شدت می‌یابد؟ و بالاخره آیا دقیقاً معلوم است که آدمی در چه سنی دست از جرم می‌شوید؟

برای بررسی رابطه کمی و کیفی جرم و سن آدمی، بعضی از محققان در تقسیمات دوران حیات انسانی، مانند ساترلند و لثوته، اصرار نمی‌ورزند ولی عده‌ای دیگر مانند پی‌ناتل و پرفسور استفانی و همکاران او در این باره قائل به تفکیک می‌باشند.

مانحست نتایج تحقیقات پراچ دانشمندان آمریکائی را، به مناسبت تقدم تاریخی، عرضه می‌داریم آنگاه به بحث درباره آثار استادان فرانسوی می‌پردازیم.

میانگین‌های سنی و تبهکاری -

ساترلند با توجه به آمارهای جنائی، یازده نتیجه زیر را درباره میانگین‌های سنی جنایتکاران به دست آورد:

بزهکاری با سن تغییر می‌یابد. کتله (۱) دانشمند بلژیکی، ریاضی‌دان و منجم و عالم فیزیک و متخصص آمار و بینانگزار آمار جنائی به سال ۱۸۳۱ یعنی ۴۵ سال پیش از انتشار کتاب «سردجنایتکار» اثر (لومبروزو) در طی یک مقاله علمی زیر عنوان «تحقیقات درباره گرایش به جنایات در سنین مختلف» که به آکادمی علوم بلژیک تقدیم نموده این مسأله را خاطر نشان کرده است.

سن، مستقیم یا به طور غیرمستقیم، تأثیری عظیم و شگرف در فراوانی و شکل جرائم دارد. (۲)

اسروژه رابطه جرائم و سنین عمر آدمی یکی از نکاتی است که به بهترین وجهی در جرم‌شناسی ثابت گردیده است.

نرخ بزهکاری در یک دوره از هستی انسانی فزونی می‌یابد سپس روبره کاهش می‌رود آنچنانکه در پایان زندگی دیگر رقم قابل ملاحظه‌ای نیست. این واقعیتی است که حقیقت آن مورد تردید نیست اما در توجیه آن، مانند هر مسأله جرم‌شناسی، اختلاف نظرهای متعدد رخ نموده است و حتی فراوانی و شدت تغییرات آن مورد تجزیه و تحلیل‌های متفاوت

۱ - بیشترین تعداد جرائم به نظر میرسد که مربوط به دوره جوانی یا دوره ما قبل آن باشد. ساترلند هم معتقد نیست که جرایم جوانان بیشتر از جرایم کودکان باشد زیرا اگر

جوان و کودک سرکتب جرم گردند بسیار بعید است که از کودک انگشت نگاری شود و جرائم او نیز در شناسنامه کیفری منعکس گردد. اختلاف فراوانی جرائم کودکان و

درصد			تعداد کلی بازداشتی	بزه
کمتر از سال ۲۰	کمتر از سال ۲۱	کمتر از سال ۱۸		
۲۷/۴	۱۴/۹	۵/۹	۳۴۶۹	قتل جنائی
۶۳/۰	۴۳/۴	۲۲/۸	۱۴۹۶۸	سرقت با عنف
۳۱/۰	۱۷/۸	۹/۱	۲۵۸۲۴	ضرب و جرح شدید
۳۱/۰	۱۶/۵	۷/۹	۸۲۴۵۴	ضرب و جرح
۷۶/۶	۶۵/۰	۴۹/۹	۶۱۰۴۵	سرقت با هتک حرز
۶۹/۷	۶۰/۹	۴۸/۵	۱۱۸۳۲۵	سرقت
۸۷/۲	۷۹/۳	۶۱/۴	۳۰۲۴۰	سرقت اتومبیل
۲۰/۱	۷/۸	۲/۴	۱۹۸۴۹	خیانت در امانت
۵۸/۰	۴۵/۶	۳۰/۹	۵۵۰۴	اختفاء یا خرید اشیاء مسروقه
۳۳/۹	۱۷/۲	۶/۸	۱۱۳۱۷	جعل
۶۱/۱	۴۱/۰	۱۸/۵	۳۶۸۰	هتک ناموس به عنف
۲۹/۲	۸/۲	۱/۱	۱۷۴۸۲	فحشاء
۴۲/۳	۲۷/۸	۱۷/۴	۲۴۵۱۷	سایر جرائم جنسی
۳۵/۱	۱۴/۷	۳/۸	۹۸۶۳	جرائم مربوط به مواد مخدر
۴۵/۶	۲۹/۷	۱۶/۵	۱۸۶۱۱	حمل اسلحه
۲۲/۶	۷/۶	۱/۲	۲۳۷۰۱	جرایم علیه اطفال یا خانواده
۴۸/۵	۴۰/۹	۱۸/۰	۵۲۷۰۷	جرایم مربوط به نوشابه های الکلی
۱۴/۷	۴/۳	۰/۶	۱۰۲۲۱۹	تظاهرات مستانه
۳۴/۱	۲۰/۵	۹/۸	۲۸۱۹۹۷	ایجاد اغتشاش
۹/۴	۳/۴	۰/۹	۹۰۸۹۵۷	دائم الخمری
۲۲/۳	۱۳/۳	۵/۲	۸۸۳۵۱	ولگردی
۱۲/۲	۴/۰	۰/۹	۶۱۵۴۶	قمار
۵۲/۹	۳۶/۴	۱۸/۲	۹۶۷۴۰	بازداشت به خاطر سوءظن
۵۰/۵	۳۹/۸	۳۰/۴	۲۷۶۹۹۸	سایر جرائم
۲۹/۳	۱۹/۷	۱۲/۱	۲۳۴۰۰۰۴	جمع



پتال جامع علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی

جوانان صوری و مربوط به رقم سیاه جرائم
کودکان است که بسیار بالا میباشد.

آمارهای انگلیسی نشان میدهند که
حد اکثر تبهکاری مربوط به جرائم شدید از
پسران و دخترانی سرزده است که پسران در
سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی و دختران در سنین
۱۶ یا ۱۷ سالگی بوده‌اند.

آمار آمریکا ماکزیموم جنایات را مربوط
به سنین بالاتر یعنی بین ۱۸ تا ۲۴ نشان
میدهد.

آماری که آقای زیلیگک در اثر خود ارائه
داده است ماکزیموم جرائم مردان مربوط به
سنین بین ۲۱ تا ۲۵ سالگی است و حداکثر
جرائم دختران مربوط به سنین بین ۱۸ تا ۲۱
سالگی است. (۲)

۲ - سن متناظر به ماکزیموم تبهکاری با
نوع جرم ارتكابی تغییر میکند مثلاً حداکثر
تعداد بازداشتی برای سرقت اتومبیل یا سرقت
با هتک حرز، مربوط به پسران ۱۵ تا ۱۹ ساله
است.

جدول ذیل که به وسیله اف. بی. آی. (۴)
تهیه شد تعداد و درصد بازداشتی‌های کمتر
از ۱۸ ساله و ۲۵ ساله را به سال ۱۹۵۸ در
۱۵۸۶ شهر نشان میدهد که هر یک بیش از
۲۵۰۰ نفر سکنه داشته‌اند و مجموع جمعیت
آنها به ۵۲،۳۲۹،۴۹۷ نفر میرسد.

جدول نشان میدهد که اشخاص مسن‌تر،
بیشترین جرمی که مرتکب شده‌اند سرقت
اتومبیل و سرقت با هتک حرز است ولی تعداد
جرائم قتل و خیانت در امانت از اشخاصیکه در
این سنین بوده‌اند سرزده در حد متوسط قرار دارد.

۳ - زنان از مردان هم از لحاظ سن متناظر
به ماکزیموم تبهکاری به طور کلی وهم از
لحاظ سن متناظر با ماکزیموم تبهکاری برای
بعضی از جرائم خاص، متمایزند.

۴ - چندین قرن است که قسمت اعظم
جنایات خشونت آمیز از قبیل سرقت با هتک
حرز یا سرقت توأم با اعمال خشونت آمیز در
سنینی وقوع مییابد که بالتسبیه ثابت است.
گزارشها نشان میدهند که در انگلستان
در سده پانزدهم، راهزنان و دزدان هتک از
جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله بوده‌اند و از میان
اشخاصیکه به سال ۱۸۳۵ در انگلستان متهم
به ارتکاب جرائم شدید بوده‌اند ۳۰ درصد
سی ساله یا کمتر بوده‌اند و ۲ درصد کمتر از
۲۱ سال داشتند. (۵)

۵ - برحسب نتایج حاصل از چندین
تحقیق خاص، چنین به نظر میرسد که سنی
که در آن نخستین عمل مجرمانه وقوع مییابد،
در ناحیه‌ای که بالاترین نرخ جنائی را دارد
خیلی پایین‌تر است تا در ناحیه‌ای که دارای
نرخ جنائی ضعیف میباشد (۶)

نوع جرم ارتكابی برحسب سنین از
ناحیه‌ای به ناحیه دیگر تغییر مییابد. مثلاً
کودکان ۱۲ ساله در بعضی از نواحی که
سطح تبهکاری در آن نواحی بالاست مرتکب
سرقت‌های مسلحانه و یا سرقت با هتک حرز
میشوند در صورتیکه در نواحی دیگر که آلودگی
کمتری دارد، کودکان در این سنین دست به
دزدی میوه میزنند یا دستگاه‌های توزیع
خودکار (۷) را غارت میکنند.

۶ - نوجوانانیکه رشد بدنی آنان بالاتراز
سن حقیقی‌شان است، به موجب چند تحقیق
ویژه‌ای که به عمل آمد، نرخ جنائی آنان
بالاتر از نرخ نوجوانانی است که دارای رشد
طبیعی هستند یا به قدر کفایت رشد نکرده‌اند. (۸)

۷ - نرخ تبهکاری، از سن متناظر با
ماکزیموم تبهکاری، تا پایان حیات منظمأ تنزل
میکند. این نتیجه را از آمارهای عمومی
بسیاری از ملل میتوان به دست آورد. از جمله

قبل از ۱۸ سالگی بزهکاری خود را آغاز کرده بودند. (۱۲)

سلین نشان داده است که بسیاری از اشخاص، پس از ۲۰ سالگی، برای نخستین بار دست به ارتکاب جرم زده‌اند. (۱۳)

۱۰ - فردی که برای نخستین بار محکومیت مییابد هر قدر جوانتر باشد به همان نسبت بیشتر اسکان دارد که برای یک دوره

آماری که زیلیگ ارائه کرده مؤید این نظر است هر چند که پولک (۹) در بررسیهای خود در پرتسیلوانی چند آمار مغایر به دست آورد ولی این استثناء موجب نفی قاعده کلی نمیشود. آیا کلا نسالان بیشتر از میان سالان مرتکب جرایم جنسی میشوند؟ داده‌های آماری در این باره متناقض است مع هذا این نکته مسلم است که جرم سرقت با افزایش سن کاهش مییابد ولی جرایم جنسی با بالا رفتن سن به همان نسبت کاهش نمییابد (۱۰)

۸ - نرخ تبهکاری بر حسب سنین مختلف در ادوار مختلف تغییر مییابد. در انگلستان، نرخ تبهکاری برای اشخاص سن بالاتر از شصت ساله در بین سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۸ بیش از پیش تنزل یافته است و حال آنکه نرخ تبهکاری سایر گروههای سنی چنین تنزلی نداشته‌اند. این امر ممکنست در اثر برقراری کمک هزینه‌های پیری بوده باشد که پیش از آن سابقه نداشته است. (۱۱) به علاوه، بزهکاری نوجوانان در انگلستان در بیست ساله اخیر نسبت به سایر گروههای سنی بالاتر به طور قابل ملاحظه افزایش یافته است.

۹ - بزهکاری نوجوانان احتمالا بسا

تبهکاری بزرگ سالان رابطه‌ای دارد اما آنچه شایعه پردازان گفته‌اند «بزهکار نوجوان اسروزی جنایتکار بزرگسال فردا است» صحت ندارد؛ زیرا چه بسیاری از تبهکاران بزرگسال که نخستین جرم خود را پس از گذراندن دوران برنائی مرتکب شده‌اند به علاوه اگر بزهکاران جوان اسروزی جنایتکاران فردا باشند پس چرا نرخ جنائی سنین بالا بسه مراتب پائین تر از نرخ جنائی جوانان است. فرام به این نکته دست یافت که بزهکاری ۶۶٪ از سیصد و نوزده تبهکار باسوه پیشینه که در زندان ایندیانا زندانی بوده‌اند



طولانی نیز مرتکب جرائمی گردد و متحمل محکومیت‌های دیگر شود. (۱۴)

۱۱ - بزه‌کار هر قدر جوانتر باشد فاصله زمانی بین نخستین بزه او با بزه‌های بعدی به همان نسبت کوتاه‌تر خواهد بود.

ساترلند پس از این نتایج ۱۱ گانه اضافه میکند: یکی از تئوری‌هایی که به عنوان توجیه میانگین‌های سنی جنایتکاران عرضه شد این است که این میانگین‌ها همبستگی مستقیم با بعضی از آثار بیولوژیک دارد: جرائم، اغلب از افرادی که نیرومند و فعال هستند سر می‌زنند و به ندرت اشخاصی که ضعیف و منفعل هستند مرتکب جرم می‌گردند.

یک نظریه دیگر بیولوژیک مؤید این نکته است که تبهکاری در سه مرحله به ما کزیموم خود می‌رسد: از ۳ تا ۶ سالگی، از ۱۴ تا ۱۶ سالگی و از ۴۲ تا ۴۵ سالگی و این سه دوره مستقیماً مربوط به نیروی محرکه‌لی بی‌دو (۱۵) است که از دگرگونی‌هایی که در دو غریزه جنسی و پرخاشگری از یک سو و تغییراتی که در نیروی شخصیت از دیگر سو به وجود می‌آیند ناشی می‌شود.

تئوری سوم بیولوژیک مبتنی بر قبول وراثت به عنوان نخستین علت بزهکاری است. گورینگ باور داشت که سانی که در اثر وراثت آمادگی جنائی دارند از همان آغاز سال‌های نوجوانی دست به ارتکاب جنایت می‌زنند (نظری که تقلید از والدین را با وراثت اشتباه می‌کرده است).

این تئوری‌های بیولوژیک مسلماً تغییرات متعدد و گوناگون بزهکاری متناظر با میانگین‌های سنی بزهکاران را توجیه نمی‌کند. این تئوری‌ها نمیتوانند حتی یکی از اسوری را که فوقاً بر شمرديم توجیه نماید و به طریق اولی نخواهد توانست از عهده توجیه موارد ترکیبی اسور

مذکور برآید.

به نظر آقای ساترلند، این اسور با تئوری عمومی سازگار است و آن اینکه جنایت و تبهکاری، ثمرات تجربه و تعامل اجتماعی است (۱۶). معهدا باید اذعان کرد که نسبت به اسور مذکور، تئوری‌های جامعه‌شناسی نیز به تنهایی علل تبهکاری را به قدر کافی اثبات و توجیه نکرده‌اند.

مراحل زندگی - زندگی انسان در مراحل متمایز: کودکی، برنائی (نوجوانی- جوانی)، به پختگی و پیری می‌گذرد. این مراحل چندگانه که از دیدگاه‌های زیست‌شناسی و روانشناسی دارای ویژگی‌های مربوط به خود می‌باشند در نظر جرم‌شناسان نیز از یکدیگر متمایزند و از این رهگذر در بررسی رابطه‌سنین و جرائم مطمح نظر است.

آقای پی‌ناتل در کتاب بزرگ خود در مراحل چهارگانه زندگی انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند به گزارش‌های نخستین کنگره اروپائی روانپزشکی کودکان درباره پختگی (این کنگره از ۱۶ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰ در پاریس تشکیل شده بود) و همچنین به کارهای کنگره بین‌المللی دفاع اجتماعی که به سال‌های ۱۹۵۸ در استکهلم و از ۱۹۶۱ در بلژیک تشکیل شده بود نظر داشته‌اند. (۱۷)

آقای پرفسور استفانی و همکاران او آقای لوسور و آقای ژاسوبورن در اثر مشترک خود موافق با نظر دکتر دوبلی‌نو (که به عنوان گزارش نماینده فرانسه به کنگره بلگراد عرضه شده) می‌نویسند که نظر می‌رسد که بتوان دورانهای زیر را در زندگی آدمی تشخیص داد:

کودکی با دو مرحله ۶ سالگی و از ۹ تا ۱۲ سالگی تمام،

برنائی با دو مرحله: از ۱۲ تا ۱۵ سالگی تمام و از ۱۶ تا ۱۸ سالگی تمام،

جوانی با دو مرحله: از ۱۸ تا ۲۱ سالگی

تمام و از ۲۱ تا ۲۵ سالگی تمام ،
 میان سالی از ۲۵ سالگی تا ۳۰ سالگی تمام ،
 بزرگ سالی یا مرحله پختگی کامل از ۳۰
 سالگی آغاز و به ۵۰ سالگی ختم میشود .
 کهوات از ۵۰ تا ۶۰ سالگی - سنی که
 کندی و سستی فعالیت‌های حیاتی کم‌ویش
 بر حسب اشخاص سریعاً نمودار میشود .

پیری که ترقیات پیری شناسی میکوشد ظهورش
 را به تأخیر اندازد یا آثارش را محدود
 سازد (۱۸)

جناب آقای دکتر علی‌اکبر سیاسی رئیس
 افتخاری و استاد ممتاز دانشگاه تهران
 خصوصیات روانی آدمی را در پنج دوره
 زندگی : کودکی - جوانی - میان‌سالی - پختگی
 پیری و شیخوخت بررسی کرده‌اند :

۱ - دوره کودکی که آنرا به چهار
 دوران جزء تقسیم کرده‌اند :

الف - نوزادی تا ۲ سالگی یادوران
 مصالح و منافع محسوس

ب - از ۲ سالگی تا ۴ سالگی یادوران
 آغاز سخنگویی

ج - از ۴ سالگی تا ۷ سالگی یادوران
 مصلحت‌جویی عاقلانه

د - از ۷ سالگی تا ۱۲ سالگی یادوران
 توجه به امور مخصوص

۲ - دوران جوانی به معنی وسیع کلمه را
 که در حدود ۱۲ سالگی آغاز میشود تا ۲۴
 سالگی ادامه دارد به سه دوران جزء تقسیم
 کرده‌اند : دوران برزائی - دوران بلوغ -
 دوران جوانی

۳ - دوران میان سالی که در حدود ۲۵
 سالگی آغاز میشود تا حدود ۵۰ سالگی ادامه
 دارد

۴ - دوران پختگی برای مردان ۵۰ تا
 ۶۰ و زنان بین ۴۵ تا ۶۰ سال است .
 ۵ - پیری و شیخوخت که تعیین آغاز و
 پایان این دوره غیرممکن است (۱۹)

سخن این‌ماه را در اینجا پایان میدهم و از ماه
 آینده سخن را از کودکی آغاز خواهیم کرد.
 به سال ۱۷۸۹ درگان زاده شد و به سال
 ۱۸۷۴ در بروکسل چشم از دنیا فرویست . در
 نظر این محقق «آمار» وسیله اساسی برای بررسی
 پدیده‌های انسانی است .

اثر کتله نخستین بار در سال ۱۸۳۵
 تحت عنوان «رشد اجتماعی استعداد‌های انسان
 یا فیزیکی اجتماعی» در پاریس چاپ و منتشر
 گردید و چاپ دوم آن با تجدید نظر و پس و
 پیش کردن عنوان کتاب به «فیزیکی اجتماعی
 یا رشد اجتماعی استعداد‌های انسان» به سال
 ۱۸۶۹ از بروکسل در اختیار پژوهندگان جرم
 شناسی قرار گرفت .

کتله آمارهای فرانسوی مربوط بسه
 سالهای ۱۸۳۰-۱۸۲۶ را مطالعه کرد و
 موضوع ثبات و استمرار جنایت را خاطر نشان
 کرده است . کتله کوشش میکرد که تمام
 پدیده‌های زندگی اجتماعی را بر حسب «قانون
 اعداد بزرگ» (که از قوانین بنیادی علم آمار
 است) تفسیر و توجیه کند زیرا او معتقد بود که
 آمار ، زندگی جامعه را در تمام جهات بررسی
 میکند : جمعیت ، دارائی ، قدرت پرداخت ،
 توانائی تولید ، وضع سیاسی ، اوضاع بازرگانی
 و صنعتی و کشاورزی ، چگونگی وضع روانی ،
 اخلاقی ، مذهبی و قیافه جنائی یک جامعه را
 نشان میدهد و به قدری اهمیت دارد که میتوان
 گفت «آمار» زبان مشترکی برای علوم مختلف
 است و مخصوصاً در علوم اجتماعی و بالخصوص
 در جرم‌شناسی ، حل بعضی از مسائل بدون
 توسل به آمار مقدور نیست .

- 10- David O. MOBERG, Old Age and Crime, Journal of Criminal Law, Criminology and Police Science, 43: 764-776, Mars-Avril 1953.
- 11- W.N. EAST, Crime, Senescence and Seinity, Journal of Mental Science, 90: 835-850, Oct. 1944.
- 12- Harold S. FRUM, Adult Criminal Offense Trends Following Juvenile Delinquency, Journal of Criminal Law and Criminology 49:29-49, Mai-Juin 1958.
- 13- Thorsten SELLIN, The Criminality of Youth, Philadelphia. The American Law Institute, 1940, p. 108.

(۱۵) - Libido نیروی همه تمایلات که در واژه «عشق» خلاصه میشود.

- 14 - Thorsten SELLIN, Recidivism and Maturation National Probation and Parole Association Journal, 4: 241-250, Juil. 1958.
- Libido

- 16- E.H. SUTHERLAND, Ov. cit. p. 122: «Le crime et la criminalité sont les produits de l'expérience et des intractions sociales.»
- 17- J. PINATEL, Traité de droit pénal et de criminologie. Tome III criminologie, deuxième édition, Paris, 1970. p. 198.
- 18- G. STEFANI, G. LEVASSEUR et R. JAMBU-MERLIN, Criminologie et science pénitentiaire, Paris, 1970. p. 77.

۱۹ - دکتر علی اکبر سیاسی - روان شناسی جنائی انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۲ از صفحه ۱۳۴۲ تا ۵۸ تا ۷۷

است خواهان خواه اعمال او دوران تأثیر اجتماع نیست. جنایت محصول فاسد جامعه و جنایتکار قربانی جامعه است. ارتکاب جرم در یک جماعت و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان اسکان میباشد. در این محاسبه تماماً از خصایص محسوس حیاتی جنایتکار صرف نظر میکند و اساس محاسبات آماری خود را بر روی یک انسان متوسط غیر موجود، بنیان میگذارد.

(1) - Lambert Adolphe - Jacques QUETLET

- 2- Edwin H. SUTHERLAND et Donald R. CRESSEY, Principes de criminologie, Paris, 1966. p. 119.
- 3- E. SEELIG, Traité de criminologie, P.U.F. 1956, p. 224.
- 4- Federal Bureau of Investigation, Uniforme Crime Report for the United States, 1958, Washington, Government Printing Office, 1959, p. 94.
- 5- American Journal of Correction, 20:7 Janv.-Fév. 1958.
- 6- Ernest MANHEIM, Youth in Trouble, Kansas City, Missouri, Department of Welfare, 1945, pp. 66-67.
- 7- Distributeurs automatiques.
- 8- William HEALY, The Individual Delinquent, Boston Little, Brown, 1915, pp. 145 et 236.
- 9- Otto POLLAK, Criminality of Old Age, Public Charities Association Herald, 22: 4 Nov. 1954.